



تربیت، سخت‌ترین کار آفرینش است / راهکارهای قرآنی تربیت عقلانی

محمدعلی انصاری ضمن اشاره به اهمیت و پیچیدگی مسئله تربیت انسان درباره چند نمونه از روش‌های قرآن برای تربیت عقلانی بشر توضیح داد.

محمدعلی انصاری ضمن اشاره به اهمیت و پیچیدگی مسئله تربیت انسان درباره چند نمونه از روش‌های قرآن برای تربیت عقلانی بشر توضیح داد.

به گزارش ایکن، نشست «روش‌های تربیت معقول» روز گذشته با سخنرانی محمدعلی انصاری؛ مفسر قرآن و نهج البلاغه در فضای مجازی برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

کلمه «واهب» از صفات و اسمای الهی است. واهب از هبه می‌آید و کلمه هبه به معنای بخشش رایگان است. هنگامی که چیزی را به کسی می‌دهیم و در قبال آن خدماتی دریافت نمی‌کنیم هبه است. چقدر زیباست وقتی به قرآن نگاه می‌کنیم، خداوند متعال بیشترین جایی که این کلمه را به کار می‌برد در مورد فرزندان است و فرزند را موهبت خود به آدمیان معرفی می‌کند. در مورد امور مادی به ندرت کلمه هبه به کار برده می‌شود یعنی ارزشی ندارند که خدا با این ترکیب از آنها یاد کند. این فرزندان ما هستند که موهبت خدا به ما هستند. به همین جهت می‌فرماید: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الدَّكُورَ». اصلی‌ترین وظیفه پدر و مادر

اینجا نکته دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه هر که بامش بیش، برفش بیشتر. هر نعمتی وزین تر است پاسخگویی سنگین‌تری در پیشگاه خداوند دارد. اگر نعمتی موهبت و هبه است باید بیشترین پاسخگویی را در قبال آن داشته باشیم. بنابراین فرزند از یکسو هبه مستقیم و بلاعوض خداوند برای آدمیان است و از آن طرف مسئولیتی که بر عهده پدر و مادر می‌نشیند بسیار سنگین است. اساساً مهمترین و سخت‌ترین کار در آفرینش الهی همان وظیفه‌ای است که خداوند برای والدین مقرر می‌کند و آن مقوله تربیت است. تربیت سخت‌ترین کار آفرینش است. به همین جهت خدا برترین انسان‌ها را برای این مسئولیت برگزید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ». پس اصلی‌ترین وظیفه پدر و مادر همین مقوله تربیت است.

کلمه تربیت ممکن است از دو ریشه گرفته شده باشد؛ یکی «ربو» به معنی زیادی، نما و رشد. به تپه‌هایی که به چشم می‌آید ربوه گفته می‌شود. احتمال دوم این است که تربیت از ریشه «ربه» باشد. تربیت با این اشتقاق به این معنا است که چیزی را حرکت دهیم و به سوی کمال حرکت کند و نواقص از وجود آن برچیده شود. این تربیت در مورد انسان و شخصیت آدمی شکل عجیبی پیدا می‌کند. در حوزه انسان‌ها ساحت تربیت متفاوت از همه پدیده‌های خلقت است و گستره‌ای را در مقوله تربیت انسان می‌بینیم که عجیب است. انسان موجودی است که سقف‌گذاری در مورد شخصیت او بسیار رفیع است و حتی برای ملائکه دست نیافتنی است. خداوند در مورد خلقت انسان خودش را احسن الخالقین معرفی می‌کند. احسن الخالقین جایی مطرح است که احسن المخلوقین به میدان آمده باشد. نکوترین و برجسته‌ترین مخلوق الهی انسان است. خلیفه کسی است که از دیگری قائم مقامی می‌کند. پس ظرفیتی برای انسان پیش‌بینی شد تا بتواند خلافت الهی را عهده دار شود. این خیلی حرف بزرگی است. سطح وجودی انسان اقتضا می‌کند که تربیت انسان خیلی گسترده باشد.

نکته دوم اینکه انسان موجودی دوبعدی است. یک بعد جسم داریم یک بعد جان. انسان دوساحتی است و به همین خاطر عرصه تربیت انسان بسیار گسترده‌تر از سایر موجودات است. سومین نکته که بسیار مهم است این است ظرفیت‌های تربیتی در انسان سه‌گانه است. انسان امکان تربیت حسی دارد، امکان تربیت شهودی دارد، امکان تربیت عقلانی دارد. تربیت محسوس تربیت برگرفته از حواس پنجگانه انسان است. تربیت محسوس یک تربیت ملموس و دسترس است اما محدود است یعنی در دایره حس منحصر می‌شود. دوم اینکه خطاپذیری دارد. سطح دوم تربیت، تربیت شهودی است. تربیت شهودی بسیار لطیف است. تربیت شهودی بر اساس عشق و عواطف است. این عشق و عاطفه منجر به وجدان می‌شود. این تربیت درونی و دیرپای و شخصی است و قابلیت تسری ندارد. مورد سوم تربیت معقول است. تربیت معقول اولین ویژگی که دارد ژرفا و عمقش است. مورد دوم گستره آن است و عقل، فراتر از حس سفر می‌کند. سوم پایداری است یعنی عقل یک مقوله پایدار و ماندگار است. به همین خاطر بیشترین تکیه بر تربیت در نظام آفرینش تکیه بر تربیت معقول است.

این عقل دو ساحت دارد: عقل نظری و عقل عملی. یک کارکرد عقل در حوزه نظر و تبیین است و هستی و نیستی را برای ما تبیین می‌کند. ساحت دوم عقل، عقل عملی است که باید و نباید را برای ما تبیین می‌کند. این کارکرد دوگانه عقل نظری و عقل عملی است. عقل سه لایه دارد: یک لایه عمیق و ژرف، یک لایه میانی و یک لایه سطحی. ژرف‌ترین لایه عقل هستی‌شناسی

و شناخت چپستی ها است. پیامبران که می آیند عقل بشر را برمی انگیزانند به این جهت است که ماهیت و چپستی اشیا را بشناسد. این بعد عمیق و لایه متعالی عقل است. لایه میانی عقل آن است که روابط بین انسان ها را می شناسد و تدوین و تنظیم می کند. لایه سطحی عقل همان عقلی است که از آن به عقل معاش تعبیر می کنیم یعنی عقلی که نفع و ضرر را می سنجد. این لایه بالایی عقل است و امورات دنیا با این لایه عقل سروکار دارد.

بالاخره بالاترین متن تربیتی برای انسان در نظام آفرینش الهی کلام خدا است چون بالاترین سطح تربیت تربیت وحیانی است که خدا برای انسان ارائه می کند. در قرآن نسبت به تربیت محسوس و مشهود و معقول روش هایی ارائه می شود که گاهی در قالب مباحث اعتقادی مطرح می شود، گاه در امثال و حکم قرآن می آید، گاه در قالب حکایات و قصص قرآن می آید، گاه در قالب فقه قرآن می آید. در تمام این بخش های قرآن این روش ها و نکات نقض تربیت معقول را می بینیم.

تربیت عقلانی با روش پرسشگری و آگاهی بخشی

اولین روش، روش پرسشگری است یعنی ایجاد پرسش در مسیر رسیدن به تربیت معقول. هیچ چیز مثل سوال ذهن انسان را درگیر نمی کند. به تعبیری می توان گفت پرسشگری که در وجود انسان است زمینه رشد و تعالی بشر را فراهم کرده است. خود سوال دلیل علم و آگاهی است. کسی که آگاهی ندارد سوال ندارد. ایجاد سوال یک روش برای تربیت معقول است و قوه فکر انسان را پویا و فعال می کند. این مسئله را در آیات مختلف قرآن می بینیم: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ قَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». پرسشگری لوازمی دارد. لازمه اول شناخت حیطه های پرسشگری است. یعنی مربی که می خواهد از این روش استفاده کند باید به حوزه های جذاب پرسش آشنایی داشته باشد و در مرتبه دوم آگاهی به پاسخ داشته باشد. این روش یکی از ناب ترین روش ها برای تربیت معقول و جهت دادن به ذهن مخاطب است و لازمه اش این است که انواع پرسش تسلط داشته باشیم و پاسخ ها را هم در آستین داشته باشیم. شاید هیچ چیزی مثل این روش در ذهن مخاطب جولان ایجاد نکند.

روش دوم دانش آموزی و آگاهی بخشی است. عقل انسان یک دستگاه است که نیاز به سوخت دارد. عقل منبع نیست، دستگاه تحلیل است و نیاز به اطلاعات دارد. عقل باید تغذیه شود تا فعال شود. بیشترین چیزی که عقل را فعال می کند آگاهی و علم است. قرآن از روز اول برای اینکه عقل را در وجود انسان بارور کند کار را با تعلیم آغاز می کند: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا». خداوند مراعات نظیر تعلیم و تعلم را در اولین آیات نازل شده بر پیامبر(ص) بیان می کند: «اقْرَأْ يَا سُمُّ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ». خداوند در قالب آموزش و آموزشگری، انسان ها را به سمت تربیت می برد. بنابراین پیامبران الهی اول معلم هستند، آنگاه مربی. باید توجه داشت آفت اول در آموزش و تعلیم کم صبری است. علم به بار نمی نشیند مگر به صبوری و پایداری و استقامت. روحیه صبوری والدین است که می تواند آگاهی بخشی صبورانه را به فرزندان منتقل کند.

یکی دیگر از روش کارآمد که پیامبران به کار می برند استدلال آوری و برهان است: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». از مهمترین راه های تربیت استدلالی، جدال احسن است. جدال از جدل می آید. جدل به معنای تاباندن و پیچیدن است. جدال یعنی ما دقیقاً مطلب و آگاهی و اطلاع و باور مخاطب را دریافت کنیم، بعد با همان ذهنیت خودش، با همان آگاهی خودش به او برگردیم و پاسخ بدهیم. این روشی است که قرآن آموزش می دهد و بسیار پاسخگو است.